

فهرست مطالب

صفحه

۲۳۳

بخش ۳ یادگیری اجتماعی برای هزاره نوین

۲۳۵

روشهای توسعه مبانی معرفتی آینده پژوهی

۲۳۶

هفت مسیر

۲۳۷

سازماندهی فکری دانش موجود

۲۳۸

ایده‌های تازه در کنفرانسها

۲۳۸

دگرگونی اجتماعی و اداره اجتماع

۲۳۹

آموزش، یادگیری و تغییر فردی

۲۴۰

مدافعی برای نسلهای آینده

۲۴۰

تحول جهانی

۲۴۱

یافتن مسیری به سوی آینده‌ای مطلوب

۲۴۲

مراجع

یادگیری اجتماعی برای هزاره نوین
بخش ۳

روشهای توسعه مبانی معرفتی آینده پژوهی

آلن تاف

چگونه می‌توانیم به آینده‌ای رضایت‌بخش برسیم؟ بدین منظور باید چندین گام اساسی برداریم که یکی از آنها، رشد سریع شناخت، درک، خردورزی، ایده‌ها، تصویرها و بینشهای مربوط به آینده است.

اگر نسل حاضر تفکر خلاق، پژوهش منضبط، تئوری‌سازی، تحقیقات مبنایی، کتابهای پر محتوا، پایان‌نامه‌های دکترا و نشست‌ها و کنفرانسهای¹ آینده‌پژوهی را تا سه برابر افزایش دهد، مطمئناً نفع زیادی به بشریت خواهد رسید و فواید درازمدت آن قطعاً بیش از هزینه‌های آن خواهد بود. حتی به نظر من اگر مخارج این‌گونه فعالیتها تا ده برابر هم افزایش یابد، در مقایسه با منافعی که نصیب بشریت می‌شود اسراف‌کاری نخواهد بود! نمی‌توان گفت که حد بهینه "خرج" برای توسعه مبانی معرفتی آینده‌پژوهی چقدر است، اما مطمئناً فاصله وضع موجود و وضع بهینه، فاصله‌ای سترگ، باورنکردنی، عمیق و خنده‌دار است.

مشکلات و مسایل جهانی به جایی رسیده که شناخت فصلی ما برای رویارویی با آنها کفایت نمی‌کند. برای اینکه بیش از این واپس نمانیم و بتوانیم خودمان را برسانیم، باید بر سرعت شناختمان بیفزاییم. در این صورت شاید دریابیم که مسایل و مشکلات نیز رو به افزایش دارند. برای آنکه دانش ما بر مشکلات جهانی بچربد، باید به کوششهایمان حتی بیش از اینها سرعت ببخشیم. مطمئناً می‌توانیم برنده این مسابقه باشیم اما نه با این سرعت لاک‌پستی و تلاشهای ناچیز فعلی.

¹ - Cutting - Edge Conference Sessions

علاوه بر دانش کاربردی، توسعه چارچوبهای مفهومی عالمانه^۱ و توسعه یک مبانی علمی برای آینده‌پژوهی نیز مهم است. اصطلاح "علمی" در اینجا به معنی استفاده از بهترین رویکردهای علوم اجتماعی است که اکثراً با رویکردهای متداول در علوم طبیعی شباهتی ندارد. لنگیل^۲ (۱۹۸۷) اشاره کرده است که تمامی شاخه‌های علوم اجتماعی، به ویژه در سطح بین‌المللی و در سازمانها و نشست‌ها بین‌المللی، تأکید وافری بر کاربرد داشته و از تئوری‌سازی غفلت می‌ورزند. رک و پوست کنده بگویم، قبل از تأکید بر کاربردهای علوم اجتماعی، باید روی علوم اجتماعی نظری تأمل کنیم. علاوه بر این، نیاز زیادی به تعقل، دید وسیع و درازمدت، "رؤیت تصویر کلی"^۳، و تفکر عمیق پیرامون مهمترین سؤالات مطرح احساس می‌شود.

همچنین، جذب و حمایت افرادی با ذهنهایی ویژه، خلاق، تیز و عمیق نیز اهمیت فراوانی دارد تا آنها طرحها، دریافتها و برداشتهای خود را از آینده در اختیار ما بگذارند. به عنوان مثال استفاده ابتکاری و بهینه از ۲ میلیون دلار پول این است که دنیا را زیر پا بگذاریم و ۱۲ نفر از بهترین متفکرانی را که راجع به آینده کار کرده‌اند بیابیم و به هر یک هریک از آنها $\frac{1}{12}$ این مبلغ را بدهیم تا کتابی عمیق، دقیق و تمام‌عیار پیرامون آینده بنویسند!

هفت مسیر

در حالی که با شدت و حدت به پیش می‌رویم تا شالوده معرفتی آینده‌پژوهی را پی‌ریزی کرده و تکامل بخشیم، این سؤال پیش می‌آید که کدام مسیرهای ویژه با احتمال بیشتری برای نسلهای آینده سودمند خواهند بود؟ برای آنکه بتوانیم بحث را با جزئیات بیشتری دنبال کنیم، بگذارید هفت مسیر احتمالی را مطرح نمائیم. به عقیده من، این هفت مسیر با احتمال بیشتر، برای نسلهای آینده به خوبی نتیجه‌بخش خواهد بود.

1 - Sophisticated Conceptual Framework

2 - Lengyel

3 - Seeing the big Picture

سازماندهی فکری دانش موجود

نخست باید از لحاظ فکری و نظری به مبانی معرفتی از پیش موجود توجه [در زمینهٔ آینده‌پژوهی بهتری] بیشتری مبذول نمائیم. لازم است گامی به عقب بگذاریم تا راههای برای سازماندهی این مبانی بیابیم. به عنوان مثال، ما نیازمند تحلیل‌های متا^۱، تأمل در نظامهای فکری و الگوهای فعلی، و سازماندهی نقادانه مبانی معرفتی خود می‌باشیم. آینده‌پژوهانی چون ریچارد اسلاتر، جیمز دیتور، دونلا میدوز، مایکل مارین^۲ و وارن ویگر^۳، طبقه‌بندیها و نظام‌بندیهای جالبی را در ادبیات آینده‌پژوهی ارائه کرده‌اند، اما افراد کمی در نقد یا تألیف، بر اندیشهٔ خود متکی بوده‌اند. هدف من از نوشتن کتاب "پرسشهای حیاتی راجع به آینده" (تاف، ۱۹۹۱)، تهیهٔ مجموعه‌ای از پرسشهای کلیدی و پاسخهای مشروط بود که دیگران بتوانند براساس آنها کار کنند، اما متأسفانه تاکنون کسی کار را ادامه نداده است. ما در زمینهٔ مطالعات آینده‌پژوهی بایستی بجای کار در انزوای فکری و چرخش دائمی به دور خود، بر مبادلات فکری خود بیفزاییم تا بتوانیم مبانی معرفتی خود را تکامل بخشیم. با نگاهی به دروس رشتهٔ آینده‌پژوهی در دانشگاهها، درمی‌یابیم که نبود چارچوبها و کتابهای ارزندهٔ عمیق و قوی، مشکلاتی جدی به وجود آورده که سدّ رشد بیشتر این رشته شده است. در پاسخ به این سؤال که، "چه باید کرد تا دانشگاههای بیشتری دوره‌ها و برنامه‌های سطح بالای آینده‌پژوهی را برگزار کنند؟"، پاسخ بسیاری از افراد این است که برای متقاعدسازی رؤسای دانشگاهها و دانشکده‌ها باید از **اهرمهای سیاسی** استفاده کنیم. عده‌ای هم می‌گویند که به روشهای تدریس بهتر یا بودجه بیشتری احتیاج داریم (هرچند باید مبانی معرفتی این رشته را نیز توسعه بخشید). اگر ایده‌ها، مفاهیم و تئوریهای آینده‌پژوهی کامل و پرمحتوا بوده و از سازماندهی خوبی برخوردار باشد، آموزش رشتهٔ آینده‌پژوهی برای دانشگاهها بسیار جذابتر خواهد بود.

1 - Meta - Analysis
2 - Michael Marien
3 - Warren Wagar

ایده‌های تازه در کنفرانسها

سازمانهای کلیدی آینده‌پژوهی در موقعیتی هستند که می‌توانند مقالات جدید اندیشمندان را در کنفرانسهای خود مورد تشویق قرار داده و منتشر نمایند. در مقایسه با سایر رشته‌ها، کنفرانسهای آینده‌پژوهی کمتر به برگزاری بحث‌های رودرو (پیرامون آخرین تئوریهای آینده‌پژوهی) می‌پردازند. بعضی وقتها احساس می‌کنم که چنین کنفرانسهایی ضد تفکری یا حداقل غیر تفکری می‌باشند! البته تجربه خود من این است که کنفرانسهای آینده‌پژوهی، معمولاً بهترین محل برای جستجوی ایده‌های ناب در ارتباط با آینده نیست. اما به هر حال دانشجویانی که پایان‌نامه خود را تمام می‌کنند باید بتوانند در این کنفرانسها شرکت کرده و ماحصل تحقیقات خود را ارائه، و حتی در یک سمینار دانشجویی نیز شرکت نمایند. علاوه بر این، انتشار نشریه‌ای که فهرست سالانه پایان‌نامه‌های تمام شده و در حال اجرای آینده‌پژوهی را منتشر کند، اقدام مؤثری خواهد بود.

دگرگونی اجتماعی و اداره اجتماع

باید راجع به سناریوهای بالقوه آینده، سیاستگذاری و اداره مؤثر جامعه، مطالب بیشتر و بیشتری بیاموزیم. باید دلایل، پیامدهای احتمالی و راه‌حلهای عملی مشکلات متعدد آینده را مورد کندوکاو قرار دهیم. باید درباره عقاید متعارفی که آینده‌مان را تهدید می‌کند؛ درباره اینکه چرا رفتار و عملکرد انسانها تا این حد فرصتهای ما را برای پی‌ریزی آینده‌ای سالم و شکوفا خراب کرده و به تحلیل می‌برد، و نیز درباره اقدامات مقتضی برای متحول‌سازی جامعه، به شناخت بهتر و صحیح‌تری برسیم. همانگونه که ریچاردسون (۱۹۸۷) اشاره کرده است، برای اینکه بتوانیم روی تقریباً هر مسأله جهانی کار مثبتی انجام دهیم، باید راجع به ارزشها و اهداف فردی، عزم اجتماعی و سیاسی، اینکه چرا مردم اینگونه رفتار می‌کنند و چگونه می‌توان این رفتارها را تغییر داد، درک و شناخت روشنی بدست آوریم.

چه چیزهایی موجب اشاعه دگرگونیهای اجتماعی مناسب و سریع می‌شود و چه چیزهایی از آن جلوگیری می‌کند؟ افکار، تصویرها، جهان‌بینی‌ها و باورهای فرهنگی قوی، چه نقشی را در اینجا ایفا می‌کنند؟ چگونه می‌توان درجه اهمیت را که مردم برای نسلهای آینده قایل‌اند، ژرفای بیشتری بخشید؟ (یعنی تلاشهایی که برای ارتقای رفاه و بهروزی انسانهای به دنیا نیامده

صورت می‌گیرد، تا چه حد برای آنها معنی دارد و در زمرهٔ هدفهای آنها می‌باشد؟). باید بررسی کنیم که چرا مردم، حتی وقتی که از عواقب و مخاطرات کارهای خود مطلع می‌شوند، به شیوه‌ای عمل می‌کنند که نه تنها فقط فواید کوتاه‌مدت دارد، بلکه هزینه‌ها و خطراتِ درازمدتِ توجیه‌ناپذیری را نیز در پی دارد.

ما به تفکر و تحقیقات جدی پیرامون ترتیبات، مؤسسات و انجمنهایی که به احتمال زیاد می‌توانند ایجادکنندهٔ رفتارهای فردی و گروهی به سود تمدن بشری در درازمدت باشند، سخت نیازمندیم (فایری، ۱۹۶۷)؛ (هاردین، ۱۹۸۱)؛ (سورکین ۱۹۵۴)؛ (استرن ۱۹۷۸). در ارتباط با پیامدهای احتمالی استراتژیها و مسیرهای متعددی (که جوامع انتخاب می‌کنند) به خبرگی و پیشرفت بیشتری نیازمندیم: تشویق و ترویج موفقیت‌آمیز نتایج خوب و اجتناب از پیامدهای منفی، فرآیندی بالقوه دشوار و ظریف است. اقدامات ابتکاری زیادی لازم است تا بفهمیم که چگونه باید گرایش طبیعی امور را از بدتر به سوی بد بگردانیم (بولدینگ، ۱۹۸۵)؛ میدوزو (دیگران، ۱۹۹۲). مطالعه تاریخ بشری نیز می‌تواند در روشن کردن آینده مفید باشد، هرچند که [درسهای] هیچ دوره‌ای از تاریخ و یا هیچ تئوری تاریخی نمی‌تواند قاطعانه برای آینده بکار رود. تا چه حد تصمیمات و رفتار واقعی شهروندان، سازمانها و دولتها، شانس ما را برای آینده‌ای معقول و مثبت افزایش می‌دهد؟ و چگونه می‌توان این حد را بالاتر برد؟ بطور خلاصه، چه می‌توان کرد تا بشریت راجع به آیندهٔ خویش جدی‌تر بیندیشد؟

آموزش، یادگیری و تغییر فردی

اکثر آینده‌پژوهان بر این باورند که هر مسیری که قرار باشد در راستای آینده‌ای موفق و سالم اتخاذ شود، مستلزم تغییراتی عمیق در بینشها، ارزشها و رفتارهای افراد است. اما این حقیقت از سوی آینده‌پژوهان مغفول مانده است که عامل ترغیب (و یا جلوگیری) مردم از کسب شناخت نسبت به مسایل جهانی و آینده‌های ممکن و سپس تبیین واکنشهای احساسی و پیامدهایی که برای زندگی آنها دارد، چیست؟ افراد (در تمامی سنین) برای این‌گونه یادگیری و دگرگونی در ده سال آینده، بیشتر به چه منابع، توصیه‌ها و مهارتهایی نیاز دارند؟ چه استراتژیهایی باعث می‌شود مردم به تمدن انسانی پایدار و شکوفا، اهمیت داده و حاضر شوند تعدیلات و تغییرات عمیقی را در رفتارهایشان صورت دهند؟ در راستای این موارد، تحقیقاتی که به‌منظور توسعهٔ کارهای راجروالش، دون الجین، ماناماسی و مازاتاراجرز صورت می‌گیرد،

می‌تواند معارف و بصیرت‌های ارزشمندی را به ارمغان آورد. راجرز (۱۹۹۴) دریافت که آموختن راجع به آینده نه تنها کوششی شناخت‌گرا و احساسی^۱ را می‌طلبد بلکه همچنین بعضی از جوانان را به سؤالاتی پیرامون معنی و هدف زندگی و آنچه باید در بقیه عمر خود انجام دهند، سوق می‌دهد. تحقیق پیرامون "آموزش برای آینده" می‌تواند طیف وسیعی داشته باشد: از مطالعه و بررسی راجع به افراد تا مطالعاتی پیرامون برنامه‌های درسی مدارس و دانشگاه‌ها (تاف، ۱۹۷۸، ۱۹۸۲، ۱۹۹۱: صص ۵۸-۵۴). جایگاه تعهد و التزام اخلاقی نسبت به نسل‌های آینده نیز می‌تواند در آموزش و پرورش مورد بررسی قرار گیرد (تاف، ۱۹۹۳).

مدافعی برای نسل‌های آینده

نویسندگان زیادی نیاز به یک سخنگو، نماینده یا قیمی برای نسل‌های آینده (یعنی نهاد مشخصی که مدافع قانونی نیازها و سعادت آینده انسان‌هایی باشد که هنوز به دنیا نیامده‌اند) را مورد تأکید قرار داده‌اند (به‌طور خلاصه در کتاب تاف، ۱۹۹۳). چند سال پیش "برنامه نسل‌های آینده" مستقر در مالت این مفهوم را مورد بحث قرار داد و خواستار راه‌هایی برای اجرای آن از کانال حقوق و سازمان‌های بین‌المللی گردید. اخیراً، بنیادی تحت عنوان "اتحادیه نسل‌های آینده" که در کیوتو مستقر است، هزینه سمینارها و کتاب‌های متعددی را در این رابطه تأمین کرده است. آنچه اکنون لازم است انجام شود، چند تجربه واقعی مشخص با این مدافع یا قیم در چند موقعیت تصمیم‌گیری مختلف است. وقتی نگاه می‌کنیم تا ببینیم آیا امور بر وفق مراد ما پیش می‌رود یا نه و چرا، می‌توانیم جلوتر رفته و از این سخنگویان یا مدافعان نسل‌های آینده استفاده بیشتری به عمل آوریم.

تحول جهانی^۲

در زمینه ستاره‌شناسی و نجوم، امروزه همگان اتفاق نظر دارند که در این عالم، ما تنها موجودات زنده نیستیم. گرچه هنوز هیچ گونه شاهد علمی برای وجود واقعی حیات و گونه‌های ذی‌شعور و تمدن‌های دیگر در کهکشان ما بدست نیامده، اما اخترشناسان و سایر دانشمندان با

1 - Cognitive and Emotional Struggles

2 - Cosmic Evolution

جدیت تمام و از راههای مختلف در جستجوی چنین شواهدی هستند. چنانچه سرانجام پیام جامع و قانع‌کننده‌ای که از ستاره‌های دیگر به سوی ما ارسال شود، کشف گردد و یا این ارتباط از راه دیگری برقرار شود، در این صورت تأثیر درازمدت آن بر بشریت و حیات بشری بسیار عمیق خواهد بود. گرچه حتی پیش از این رویداد، چشم‌اندازی که از آسمان بالای سر پیدا کرده‌ایم، پیشاپیش تأثیر زیادی بر بینشها، دریافته‌ها، ارزشها و معنی و مفهوم و هدف افراد در زندگی و بر امور معنوی ما گذاشته است!

مطالعه و بررسی مبتکرانه اما منضبط آسمان شاید بتواند آثار و نتایج تعیین‌کننده‌ای برای مبانی معرفتی آینده‌پژوهی در بر داشته باشد. درواقع، همچنانکه روزبه‌روز افراد بیشتری زندگی خود و سیارهٔ ما را در متن یک تکامل کیهانی می‌بینند، شکل‌گیری ارزشهای محوری جدید و نظام اخلاقی جهان شمول تازه‌ای، لازم‌تر و ضروری‌تر می‌شود. ما به عنوان موجوداتی ذی‌شعور کیستیم؟ چه کسان دیگری در کهکشان ما می‌زیند، و ما همگی رو به کجا می‌رویم؟ از آنجایی که می‌دانیم دید کیهانی می‌تواند " **خویش - تصویر**^۱ ما را نسبت به اینکه ما کیستیم، در کجای عالم زندگی می‌کنیم، چقدر برای انسانیت و نسلهای آینده اهمیت قایلیم و تا چه اندازه نسبت به یک اخلاق جهانی^۲ ملتزم و پایبند می‌باشیم، به‌طور اساسی دگرگون نماید، این‌گونه پرسشها شاید روزبه‌روز جایگاه مهم‌تر و اساسی‌تری در دستور کار آینده‌پژوهان پیدا کند.

یافتن مسیری به سوی آینده‌ای مطلوب

مطمئناً یافتن مسیری که واقعاً بتواند ما را به آینده‌ای مطلوب و رضایت‌بخش رهنمون شود، یکی از وظائف اصلی و محوری در تحقیقات و کندوکاوهای آینده‌پژوهی است. مطالعات عمیق راجع به رزلوتیک^۳ (رویکردی کامل برای فائق آمدن موفقیت‌آمیز بر مشکلات)، نیازی فوری و مبرم است. برای ایجاد مسیری که شهروندان و رهبران سیاسی را به سوی آینده‌ای درازمدت و رضایت‌بخش رهنمون شود، لازم است که محققان و متفکران چند پرسش زیر را به‌طور ویژه مورد بررسی و مطالعه قرار دهند:

- 1 - Self - Image
- 2 - Globae ethic
- 3 - Resolutique

- چرا ما به شیوه‌هایی عمل می‌کنیم که به زیان نسلهای آینده تمام می‌شود؟
- چرا مسایل روزمره و کوتاه‌بینانه را در مقابل سلامت بشریت در چند دهه آینده قرار می‌دهیم؟
- چه امری از حفظ فرهنگ بشری و اجتناب از وخامت شدید آن، برای مردم مهمتر است؟
- چه می‌توان کرد که مردم در مسیرهای لازم، تغییرات را سریعتر پذیرا باشند؟
- هزینه‌ها و فواید مسیر فعلی ما (حتی با پیشرفتهای کم اهمیت در چند سال آینده) در مقایسه با مسیرهای کاملاً متفاوت دیگر کدام است؟
- از میان دستورها و اولویتهای گوناگونی که در منابع آینده‌پژوهی به آنها اشاره شده، امیدوار کننده‌ترین جهت‌ها کدامند؟ و
- بالاخره، چگونه می‌توان آنها را از نظر فکری و مفهومی سازماندهی کرد؟

مراجع

Boulding, Kenneth E. (1985) *Human Betterment*. Beverly Hills: Sage.

Firey, Walter (1967) "Conditions for the realization of values remote in time", in E. A. Tiryakian (ed.) *Sociological Change; Essays in Honor of Pitrim A Sorokin*. New York: Harper.

Hardin, Garrett (1981) "Who cares for posterity?", in Ernest Partridge (ed.) *Responsibilities to Future Generations*. Buffalo: Prometheus.

Lengyel, Peter (1987) "The future of international organization", in Ray C. Rist (ed.) *Public Studies Review Annual*, vol. 8. New Brunswick, NJ: Transaction Books.

Meadows, Donella, Meadows, Dennis, and Randers, (1992) *Beyond the Limits: Confronting Global Collapse, Envisioning a Sustainable Future*. Post Mills, Vermont: Chelsea Green Publishing.

Richardson, John M. (1987) "Global modeling: A retrospective", *Futures Research Quarterly* 3 (1): 5-25.

Rogers, Martha Elizabeth (1994) "Learning about global futurea: An wxploration of Learning processes in adults", Doctoral dissertation, Graduate Department of Education, University of Toronto.

Sorokin, Pitrim A. (1954) *The Ways and Power of love: Types, factors and Techniques of Moral Transformation*. Boston: Beacon.

Stern, Paul C. (1978) "When do people act to maintain common resources? A reformulated paychological question for our times", *International Journal of psychology* 13 (2): 149-158.

Tough, Allen (1979) *The Adult's Learning Projects: A Fresh Approach to Theory and Practice in Adult Learning*. 2nd edilllition. Toronto: OISE Press. (Now available from the author.)

--(1982) *International Changes: A Fresh Approach to Kelping People Change*. Chicago: Follett. (New available from the author.)

--(1991) *Ceucial Questions about the Future*. Lanham, Maryland: University Press of America and London: Adamantine Press.

--(1993a) "Making a pledge to future generations", *Futures* 25 (1): 90-92.

--(1993b) "What Future generations need from us", *Futures* 25 (10): 1041-1050.s

